

فقه / رضاع ۱۴۳۹/۴/۲۲ - ۱۳۹۶/۱۰/۲۰ - ۵۸

تتمه بحث عمومیت تنزیل :

اولاد پدر رضیع یا به عبارتة اخرى خواهر و برادران نسبی رضیع می توانند با خواهر برادر های رضاعی رضع می توانند ازدواج کنند ؟

که صاحب جواهر رحمة الله عليه تعبیر کرده اند : (هل ینکح أولاده الذین لم یرتضعوا من هذا اللبن في أولاد هذه المرضعة وأولاد فحلها ؟) .

که در اینجا این سلسله مراتب می باشد که کلام مرحوم شیخ در خلاف و نهاییه عدم جواز و نشر حرمت است زیرا که کودکی شیر خورده است با اولاد صاحب شیر و اولاد مرضعه نسبت خواهر و برادر رضاعی دارد و مورد مانحن فیه برادر برادر رضاعی آنها است .

که یا به دلیل عموم تنزیل و یا خصوص روایات اسحاق بن عمار (اخت اخیه من الرضاعة) .

ظاهر این عبارت دو احتمال دارد :

احتمال اول : خواهر نسبی برادر رضاعی .

احتمال دوم : خواهر رضاعی برادر نسبی .

احتمال اول که خواهر نسبی برادر رضاعی رضیع با رضیع خواهر رضاعی می شود .

اما در احتمال دوم که ازدواج برادر نسبی رضیع با خواهر رضاعی رضیع مانعی ندارد و این رضاع نشر حرمت بین برادر نسبی رضیع با خواهر رضاعی رضیع نمی کند .

و لذا مرحوم شیخ در خلاف و نهاییه از باب عموم منزلت فرموده اند که در این مورد نیز نشر حرمت می شود .

مرحوم محقق در شرایع و صاحب جواهر رحمة الله عليه می فرمایند که ازدواج مانعی ندارد .

در جواهر الکلام جلد ۲۹ صفحه ۳۱۵ می فرماید :

و إنما الكلام في أنه (هل ينكح أولاده الذين لم يرتضوا من هذا اللبن في أولاد هذه المرضعة وأولاد فحلها؟ قيل) والقائل الشيخ في الخلاف والنهاية : (لا) يجوز ، بل عن الأول منهما الاجماع عليه ، لاستلزام صيرورتهم أولادا لأبيهم الأخوة بينهم ، بل الحرمة بينهم من مقتضى حكم إطلاق المنزلة .

(و) لكن مع ذلك (الوجه الجواز) وفاقا للمحكي عن الأكثر ، للأصل بعد منع الاجماع المزبور ، بل المحكي عنه نفسه في المبسوط الحكم بالجواز ،

بنابر این ازدواج سایر برادران رضیع با ما بقى اولاد مرضعه مانعی ندارد و استفاده عمومیت از روایت (لان ولدها بمنزلة ولدك) که در مورد پدر رضیع است به برادر نسبی رضیع نسبت به خواهر رضاعی رضیع لازمه عقلی است که نمی توان از تنزیل امام سلام الله علیه نسبت به اولاد استفاده نسبت به اخ و اخت کرد زیرا که معنای تعبد اخذ به مورد تعبد است نه این که به معنا کاشفیت باشد تا بتوان سریان و جریان به مثل داد بلکه تعبد به تنزیل خاص فقط جریان حکم در مورد منصوص می باشد و تعبد در موردی لوازم عقلی آن مورد را ثابت نمی کند زیرا که تعبد به معنای اثبات حکمی در موردی خاص است و عدم جریان حکم در نظائر آن مورد خاص می باشد و بنابر این تعدی از مورد نص در مانحن فیه از لوازم عقلی است که ثابت نمی شود .

به همین دلیل در علم اصول لوازم عقلی اصول عملیه را حجت نمی دانند اصل مثبت تعبیر می کنند بخلاف لوازم عقلی امارات حجت است زیرا که در اماره جنبیه کاشفیت از واقع می باشد و اخبار از شیئی اخبار از لوازم نیز می باشد اما در اصول عملیه تعبد است و اخبار نمی باشد .

لذا در استصحاب نجس فقط نجاست ثابت است و آثار دیگر غیر از نجاست با استصحاب بار نمی شود مثل اثری که اگر بر رنگ نجس مترتب باشد بار نمی شود .

و صاحب حدائق در جلد ۲۳ صفحه ۴۰۲ می فرماید :

قلنا : نمنع الدلالة الالتزامية ، لأن من شرطها اللزوم الذهني البين بالمعنى الأخص وليس بثابت ، بل نمنع التلازم أصلا ، فإن ثبوت نبوة شخص الآخر يقتضي ثبوت الأخوة لأولاده ، لا ثبوت الأخوة لإخوة أولاده ، وذلك غير مقتضٍ للتحريم بوجه من الوجوه - إنتهى ، وهو جيد .

و اگر دلیل تنزیل را اعم بدانیم روایت (یحرم من الرضاع ما یحرم من النسب) لغو می شود زیرا که دلیل تنزیل شامل این معنا نیز می شود و نیازی به این بیان نمی باشد و تخصیص اکثر و امثال آن لازم می آید.

